

«شرق» در گفت و گو با دیاکو حسینی ابهام و سردرگمی اروپا و آمریکا در قبال ایران را بررسی می کند

مذاکره به وقت واشنگتن یا تهران؟!

عبدالرحمن فتح الهی: اخبارا مباحثی در فضای رسانه‌ای دال بر انعطاف اروپا و فشار قاره سبز بر واشنگتن در جهت مذاکره با تهران مطرح شده است که شاید قربانی با اقتضات دیپلماتیک و فضای بن بست کنونی نداشته باشد…

صفحه ۳

در «شرق» امروز می خوانید: حضور پررنگ مردم ترکیه در انتخابات، اصلاح قانون انتخابات به‌منظور افزایش یا کاهش مشارکت؟ نگاهی به فیلم «The Covenant» ساخته گای ریچی؛ خونبازی برای شرافت

سرمقاله

جای خالی حسین عظیمی



حجت میرزایی

درست ۲۰ سال پیش در همین روزها حسین عظیمی اقتصاددان و آموزگار توسعه جان خویش را همچون آرش در کمان اندیشه‌ورزی مشارکتی برای توسعه ایران نهاد و به سوی آینده‌ای دوردست پرتاب کرد. وی درحالی‌که در مراسم آغاز مشارکتی‌ترین رویداد تاریخ برنامه‌ریزی توسعه ایران یعنی همایش ملی «چالش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد ایران» سخن می‌گفت، راهی بیمارستان شد و سه روز بعد درحالی‌که صدها نفر از اندیشمندان و صاحب‌نظران و کارشناسان کشور گرم گفت‌وگو و هم‌اندیشی برای آینده ایران بودند، جان باخت و همه دانستیم در همه روزهایی که در یک و نیم سال پیش از همایش عاشقانه برای این رویداد تاریخی در تلاش و تکاپو بود، دوران سخت و جانفرسای بیماری خود را می‌گذرانده است.

بی‌تردید باید حسین عظیمی را آموزگار مردم‌مدار توسعه نامید. او بخش بزرگی از عمر گران‌سنگ خود را به بازآموزی مفهوم و معنا و راه و رسم توسعه به ایرانیان و زبان فارسی گذراند. به جای اینکه بر مدار تکنیک و فنون سرگرم‌کننده و واژگان برطمطراق و دهان‌پرکن علم اقتصاد، دایره‌ای از انتزاع و تجرید برای اندیشه خود بیافد و در فضای تنگ و در دالان باریک آکادمیک سخن بگوید، زبان عمومی‌گنود و توسعه را به سپهر زیست شهروندان برد و اقتصاد را به یک دانش همگانی تبدیل کرد.

وی به جای پژوهیدن و فلسفیدن در گادر انتزاع علم برای علم و تشریفات آکادمیک که ارتقا بگیرد و در سلسله‌مراتب آکادمیک شان و منزلتی بیابد، از آن فاصله می‌گرفت و به صراحت می‌گفت در علوم اجتماعی علم برای علم بی معناست. خود او هم هیچ‌گاه همت و اهتمام و حمیتی برای اینکه در این سلسله‌مراتب و مدارج دانشگاهی تلاشی کند و درجاتی را طی کند نداشت و بلکه هیچ‌گاه در هیچ دانشگاهی استخدام رسمی نشد اگرچه صدها دانشجو و کارشناس برجسته برای اقتصاد ایران تربیت کرد. این همان چیزی بود که در سطح جهانی به عنوان یک تحول بزرگ در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های توسعه رخ داده بود. با پیشگامی و راهگشایی نظری و عملی حسین عظیمی این تحول بر مبنای کنش ارتباطی، به مثابه رویه جدیدی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه به نام «برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری تعاملی» شکل گرفت. در دیدگاه او برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اساسا یک فرایند سراسر-تعاملی و ارتباطی است و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران یش از آنکه نیازمند فنون و ابزارها باشند، نیازمند دانستن ارتباط و تعامل با مردم به مثابه مخاطبان و تأثیرپذیرندگان اصلی برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌اند. همچنین محصول برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بیش از آنکه محصول دانش فنی و تخصصی باشد، یک محصول کاملا ارتباطی و تعاملی و قابل فهم است و به همین دلیل رسالت و مسئولیت اصلی علوم اجتماعی و از جمله اقتصاد، دستیابی به دانش و زبانی است که مسیر و ابزار گفت‌وگو و تفاهم اجتماعی شود. در چنین رویکردی، کسانی که برای خودشان رسالت روشنفکری قائل بودند، مخاطب خودشان را از حاکمان و نخیکان باید به سمت جامعه مدنی و توده‌های مردم و شهروندان بی‌قدرت تغییر می‌دادند و با زبانی سخن می‌گفتند که مردم و جامعه مدنی آن زبان را می‌فهمند، اگر چنین زبانی وجود ندارد، این زبان باید شکل می‌گرفت. زبانی برخوردار از نمادها و مفاهیمی که می‌توانست ابزار شکل‌گیری تفاهم در فضای اجتماعی باشد.

اقتصاد بر این مبنا یک دانش تخصصی و برخوردار از زبان مغلق، پیچیده، انتزاعی، تخصصی و بیگانه با مردم نیست، اقتصاد دانشی تفهمی و ابزار تفاهم بین دولت و ملت، ابزار تفاهم جامعه مدنی و یک ضرورت برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و بستر گفت‌وگوی روشنفکران با شهروندان است. برخلاف دانش تخصصی آکادمیک که از چگونگی و چرایی در قالب پژوهش‌های رسمی سخن می‌گفت، این دانش تعاملی، که از سه جزه دانش زندگی (که نزد عامه مردم است) و دانش آکادمیک و دانش تجربی تشکیل شده است، سؤال اصلی‌اش این بود که اقتصاد برای چه کسی و اقتصاد برای چه چیزی، پاسخ این بود که اقتصاد برای همه مردم و اقتصاد برای رهایی‌بخشی، برای توانمندسازی، برای قدرتمندسازی و برای اینکه زبان مردم را از آن‌کس باز کند. برای اینکه مردم توانایی پیدا کنند در مقابل اغواگری‌های مصنوعی و آماری سیاست‌گذاران اقتصادی رسمی، خود را در مقابل آسیب‌های اقتصادی حفظ کنند.

مردمی که یک‌شبه قدرت خرید پول ملی‌شان نصف می‌شود، دارایی‌شان با یک سیاست شتاب‌زده آب می‌شود و آینده خود را رو به زوال می‌بینند اما با اغواگری‌های آماری و گزارش‌سازی‌های بی‌مبنا آنها را مرفه، ثروتمند و قدرتمند نشان می‌دهند. این دیدگاه می‌گوید به مردم بیاموزیم و آنها را توانمند کنیم که خودشان بخواهند و بتوانند خودشان را در مقابل این اغواگری‌ها حفظ کنند و یاد بگیرند که سؤال کنند قدرت خرید من کجاست؟ ثروت و دارایی من کجاست؟ ارزش نیروی کار و بهره‌وری من کجاست؟ محصول مشارکت من در پول ملی کجاست؟ این معجزه‌ای است که این دانش عمومی باید ایجاد کند. امروز بیش از هر زمانی جای خالی عظیمی را برای اقتصاد ایران حس می‌کنیم.



دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۴ شوال ۱۴۴۴ • ۱۵ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۵۴ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

بررسی انتخابات پرحاشیه پارلمان بخش خصوصی و امید فعالان اقتصادی به هوای تازه و جایگزینی نیروهای تازه‌نفس و صنعتی

نگاه اتاق به پنجره

شرق: رقابت برای تصدی ریاست اتاق بازرگانی تهران بالا گرفته است و در این میان برخی اعضای سابق و فعلی اتاق بازرگانی می‌گویند قدیمی‌های اتاق حاضر به کناره‌گیری از صندلی‌ها نیستند و بالایی‌های گسترده مانع از عرض اندام چهره‌های جدیدتر و حرف‌های تازه می‌شوند. برخی دیگر هم معتقد هستند مداخله سنگینی از سوی برخی دولتی‌ها برای تأثیرگذاری در هیئت‌رئسه اتاق تهران و اتاق ایران در جریان است و این مسئله مانع از حضور بخش خصوصی واقعی بر صندلی‌های هیئت‌رئسه پارلمان بخش خصوصی می‌شود.

دهمین دوره انتخابات اتاق‌های بازرگانی پرحاشیه و خبرساز بود؛ این‌هم با وجود آنکه در این دوره انتخابات پرشور نبود و در حالی که مسعود خوانساری، رئیس نهمین دوره اتاق بازرگانی با هزارو ۸۲۷



سینا رحیم‌پور؛ در طول تاریخ ایران، مورخان و نویسندگان زیادی از ایرانی‌ها و خصلت‌هایشان نوشته‌اند. ۲۰۰ سال پیش جیمز موریه، دیپلمات و نویسنده بریتانیایی که در زمان فتحعلی‌شاه در ایران ساکن شده بود، کتابی را تحت عنوان «سرگذشت حاجی بابا- اصفهانی» می‌نویسد و در آن از آنچه امروز به آن خصلت می‌گوییم، سخن می‌گوید.

او ایرانیان را ظاهرساز و مبالغه‌گر می‌داند و در جایی از کتاب می‌نویسد: «دروغ، ناخوشی ملی و عیب فطری ایشان (ایرانیان) است و قسم‌هایی که مدام می‌خورند، شاهد بزرگ بر صدق این معنی. قسم‌هایشان را ببینید، سخن راست را چه احتیاج به قسم». اما آیا نظر موریه درباره ایرانی‌ها درست است؟ این اولین و آخرین خصلت‌نویسی درباره ایرانیان نیست. در بعد آرمان ملی نیز ما بارها شاهد استفاده از تعبیر مختلف از سوی مردم یا مسئولان درباره جامعه ایرانی بوده‌ایم. شریف، خورنگرم، مقاوم و صفاتی از این دست ازجمله تعبیر به کار برده‌شده روزمره درباره ایرانیان است. زائر خلقیات‌نویسی و استفاده از تعبیر درباره مردم مختص جامعه

یادداشت

سیاست‌های محتاطانه و گام‌های کوچک دیپلماتیک بین ایران و ایالات متحده



اردوان امیراصلانی

احتمال دارد خاورمیانه با توجه به اخبار غافلگیرکننده دیپلماتیک در آستانه یک تحول بزرگ ژئوپلیتیکی باشد. اخیرا پایگاه اطلاع‌رسانی نوریوز وابسته به شورای عالی امنیت ملی ایران از وقوع مسدودیت هفت میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در کره‌جنوبی به دلیل تحریم‌های آمریکا خبر داد. سخنگوی شورای امنیت ملی ایالات متحده ضمن درخواست ناشناس‌ماندن، این اطلاعات را تأیید کرد و همچنین اظهار کرد این می‌تواند از این‌ دارایی‌ها برای اهداف بشردوستانه استفاده کند.

کره‌جنوبی سومین مشتری بزرگ نفت ایران قبل از سال ۲۰۱۸ در خصوص انتقال این وجود به بانک‌های مورد اعتماد در کشورهای خاورمیانه با اعمال محدودیهایی برای استفاده از آنها به واشنگتن تضمین داده است.
باین‌حال، در حال حاضر جزئیات خاصی فاش نشده است؛ اگرچه گفته می‌شود مذاکرات بر سر روش انتقال بانکی بین کارشناسان آمریکایی و ایرانی در حال انجام است. از زمان

خبر آخر

حضور پررنگ مردم ترکیه در انتخابات

انتخابات ریاست‌جمهوری در ترکیه، پراهمیت‌ترین انتخابات سال ۲۰۲۳ در این کشور دیروز برگزار شد و با پایان یافتن زمان رای‌گیری (پنج بعدازظهر به وقت محلی)، حوزه‌های انتخاباتی بسته شدند و شمارش آرا به طور رسمی شروع شد. ۶۴ میلیون نفر در ترکیه واجد

رهبر انقلاب اسلامی پس از بازدید ۳ ساعته از نمایشگاه کتاب:

کتاب، همچنان موضوع مهم؛ فرهنگ‌سازی کشور نیازمند کتاب است

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز (یکشنبه) به مدت سه ساعت از سی‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در محل مصلای تهران بازدید کردند. رهبر انقلاب در این بازدید که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشت…

صفحه ۲



مورد مهم وکلای در معرض خطر، وضعیت وکلای احضار‌شده را پیگیری خواهد کرد

مورد مهم وکلای در معرض خطر

روایت‌هایی از باهنر درباره بهانه‌های عجیب ردصلاحیت و چشم‌اندازهای اصولگرایی

اصولگرایان ولرزاندن تن مونتسکیو در گور

گزارشی از صحن شورای شهر تهران؛ از پیامک پرحاشیه تا اعتراض به تغییر کاربری احتمالی یک بوستان به ساختمان مسکونی

حکم اعدام ۵۰ درخت

دختران ووشو، قربانیان تازه مارا تن شیراز

درخت آرزوهایمان مُرد

درخت انجیر معابد دچار قارچ‌زدگی شده است

یادداشت

بر خیالی صلحشان و جنگشان*

مسلم ناظمی

از آن زمان که به یاد می‌آوریم و از زمان پیش از آن، که به یاد نمی‌آوریم، برسولیس و استقلال (تاج، بیروزی یا هر نام دیگر که بر آنها نهاده‌اند) اغلب عنوان‌های قهرمانی‌های لیگ‌های متنوع این مرز و بوم را به خانه برده‌اند و قهرمان‌نشدن آنها (جز در بازه‌های معدود) نادر بوده است. همیشه هم این دو با هم در حال هم‌اوردی بوده‌اند و پنجه در پنجه و چشم در چشم هم داشته‌اند.

اما در چند سال گذشته که باز هم قهرمانی نصیب یکی از این دو شده، در شبکه‌های اجتماعی هواخواهان یک باشگاه در برابر قهرمانی دیگری سبیلایی به راه انداخته‌اند که انکار این افتخار به صورت طبیعی ناممکن بوده و با مروت به جنگ نیاورده‌اند. بر سر گرفتن و نگرفتن هر پنهالتی و اخراج و گل پای وزیر و وکیل را به میان می‌آورند تا درنهایت جلوه دهند که اگر همه چیز داده‌گران بود، قهرمانی جز برای ما نمی‌شد. با نگاهی به شبکه‌های اجتماعی، می‌توان به آشکارا دریافت که هرگاه و در هر زمینه، دو قطب پدیدار آمده‌اند، افراد وظیفه خود دانسته‌اند که به یکی از قطب‌ها بچسبند

و برای آن گروه و فن‌پیچ و کانال هواداری و… بتراشند و قربان صدقه‌اش بروند. چه آن چیز یک تیم فوتبال یا گروه موسیقی باشد چه پوشش و لباس و حتی فرقه و نخله و ساور. در این میانه اگر هم سر یکی از طرفداران آن سر دیگر طیف به این یکی‌ها برخورد کرده، اغلب کار به نزاع و تهمت کشیده و خلاصه اینکه فرهنگ هواداری در شبکه‌های اجتماعی بدجوری از گفتمان حق و باطل، سایه و تاریکی و اهورا و اهریمن تبعیت می‌کند. دشوار بتوان در این میانه وسط‌باز بود. این دسته‌بندی و تقابل مدام بی‌ارتباط به شیوه رسانه‌های اجتماعی برای جذب و نگهداری مخاطب نیست. آنان می‌دانند که برای حداکثرکردن سود خود باید کاربر را حبس کرد که تا حد ممکن وقت خود را درون این رسانه‌ها صرف کند. به این سان می‌توان از حضور و کشگری مجازی او بهره بسیار برد. از کشف علایق مصرفی و الگوهای رفتاری او و استفاده از آن برای تبلیغات و فروش گرفته تا دوشیدن اطلاعات خصوصی‌اش و فروش آن به شرکت‌هایی که به این اطلاعات نیاز دارند.

از آن زمان که به یاد می‌آوریم و از زمان پیش از آن، که به یاد نمی‌آوریم، برسولیس و استقلال (تاج، بیروزی یا هر نام دیگر که بر آنها نهاده‌اند) اغلب عنوان‌های قهرمانی‌های لیگ‌های متنوع این مرز و بوم را به خانه برده‌اند و قهرمان‌نشدن آنها (جز در بازه‌های معدود) نادر بوده است. همیشه هم این دو با هم در حال هم‌اوردی بوده‌اند و پنجه در پنجه و چشم در چشم هم داشته‌اند.

اما در چند سال گذشته که باز هم قهرمانی نصیب یکی از این دو شده، در شبکه‌های اجتماعی هواخواهان یک باشگاه در برابر قهرمانی دیگری سبیلایی به راه انداخته‌اند که انکار این افتخار به صورت طبیعی ناممکن بوده و با مروت به جنگ نیاورده‌اند. بر سر گرفتن و نگرفتن هر پنهالتی و اخراج و گل پای وزیر و وکیل را به میان می‌آورند تا درنهایت جلوه دهند که اگر همه چیز داده‌گران بود، قهرمانی جز برای ما نمی‌شد. با نگاهی به شبکه‌های اجتماعی، می‌توان به آشکارا دریافت که هرگاه و در هر زمینه، دو قطب پدیدار آمده‌اند، افراد وظیفه خود دانسته‌اند که به یکی از قطب‌ها بچسبند و برای آن گروه و فن‌پیچ و کانال هواداری و… بتراشند و قربان صدقه‌اش بروند. چه آن چیز یک تیم فوتبال یا گروه موسیقی باشد چه پوشش و لباس و حتی فرقه و نخله و ساور. در این میانه اگر هم سر یکی از طرفداران آن سر دیگر طیف به این یکی‌ها برخورد کرده، اغلب کار به نزاع و تهمت کشیده و خلاصه اینکه فرهنگ هواداری در شبکه‌های اجتماعی بدجوری از گفتمان حق و باطل، سایه و تاریکی و اهورا و اهریمن تبعیت می‌کند. دشوار بتوان در این میانه وسط‌باز بود. این دسته‌بندی و تقابل مدام بی‌ارتباط به شیوه رسانه‌های اجتماعی برای جذب و نگهداری مخاطب نیست. آنان می‌دانند که برای حداکثرکردن سود خود باید کاربر را حبس کرد که تا حد ممکن وقت خود را درون این رسانه‌ها صرف کند. به این سان می‌توان از حضور و کشگری مجازی او بهره بسیار برد. از کشف علایق مصرفی و الگوهای رفتاری او و استفاده از آن برای تبلیغات و فروش گرفته تا دوشیدن اطلاعات خصوصی‌اش و فروش آن به شرکت‌هایی که به این اطلاعات نیاز دارند.

ادامه در صفحه ۱۱

برادران محترم ابراهیمی

مصیبت درگذشت والده گرامیتان را صمیمانه تسلیت

می‌گویم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات

و برای بازماندگان صبر آرزو مندم.

ابوالفضل سلطانی

اختیاراتی را که اردوغان پس از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ به دست آورده، کنار بگذارد. برای پیروزی در انتخابات، برنده باید به بیش از ۵۰ درصد آرا دست یابد، در غیر این صورت انتخابات به دور دوم رفته و بر اساس قانون دو هفته پس از دور اول برگزار خواهد شد.

شرایط رای‌دادن بودند که گفته شده بیشترین مشارکت در این انتخابات رقم خورده است. مردم ترکیه تصمیم خواهند گرفت که آیا رجب طیب اردوغان پس از ۲۰ سال حکومت در این سمت باقی بماند یا خیر. رقب اصلی او، کمال قلیچدراوغلو قول داده است که بسیاری از